



با روشنفکر نمایی ادعا می‌کند بخشی از قانون دیگر جواب نمی‌دهد

غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه طی سخنانی در نشست شورای عالی قوه قضائیه، گفت: «همه ما کارگزاران نظام و مردم باید ملتزم به قانون اساسی باشیم؛ قانون اساسی که با رأی بسیار قاطعی به تصویب رسید، میثاق ملی ما و یکی از مترقی‌ترین قوانین موجود در دنیا است.»

وی ضمن تبیین و تشریح اصل چهارم قانون اساسی بیان داشت: «در اصل چهارم قانون اساسی تصریح شده که همه قوانین و مقررات کشور باید مبتنی بر اسلام و موازین اسلامی باشند. توجه به این اصل، از آن حیث اهمیت بالایی دارد که ممکن است به مرور زمان عده‌ای با روشنفکرنمایی بخواهند مقولاتی را تحمیل کنند و چنین ادعا کنند که فلان بخش از قانون، امروز دیگر جواب نمی‌دهد!»

رئیس قوه قضائیه با اشاره به حقوق مردم در قانون اساسی، تصریح کرد: «فصل سوم قانون اساسی، از اصل ۱۹ تا اصل ۴۲، ناظر بر حقوق ملت است. همه کارگزاران نظام و همه ما مسئولان قضایی که دور این میز نشستیم باید التزام و تعهد به حقوق مردم داشته باشیم و از این حقوق پاسداری و صیانت کنیم.» وی ضمن اشاره به اتکاء به آرای عمومی در نظام جمهوری اسلامی ایران افزود: «طبق اصل ششم قانون اساسی، در جمهوری اسلامی ایران امور کشور به اتکای آرای عمومی اداره و تمشیت می‌شود؛ همین اصل بیانگر نقش مهم و اثرگذار مردم در نظام ما است؛ ما از ابتدای انقلاب، تعداد متکثر و زیادی انتخابات برگزار کرده‌ایم و در اکثر این انتخابات نیز به نسبت نقاط دیگر دنیا، تعداد قابل توجهی از مردم و واجدین شرایط، مشارکت کرده‌اند.»

رئیس قوه قضائیه، دفاع از مظلومین عالم را یکی از مصرحات قانون اساسی دانست و تصریح کرد: «حمایت از مظلومین و مستضعفین عالم در برابر مستکبرین، اصلی مندرج در قانون اساسی ماست. قاطبه مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران به نحوی از انحاء سوگند یاد کرده‌اند که مدافع و پاسدار قانون اساسی باشند؛ در اصل ۱۲۱ به سوگند رئیس‌جمهور برای پاسداری از قانون اساسی اشاره شده است؛ در اصل ۶۷ به سوگند نمایندگان مجلس برای دفاع از قانون اساسی، تصریح شده است؛ در سوگندنامه قضات نیز مضامینی مندرج است که متخذ از مبانی قانون اساسی است.»

وی با اشاره به نوع نگرش برخی افراد استحال‌شده در انکار قانون اساسی، تصریح کرد: «بعضاً فرد یا افرادی که زمانی سینه‌چاک نهضت امام خمینی (ره) و اصلاًحاً انقلابی دوآتشه بودند، مشاهده می‌شوند که اکنون به نوعی مستحیل شده‌اند و مصرحات قانون اساسی را انکار می‌کنند و زیر پا می‌گذارند و حتی به صراحت چنین می‌گویند که امام (ره) اشتباه می‌کرد و ما نیز سابقاً در دفاع از امام اشتباه می‌کردیم! این قبیل افراد، نقش دیانت در سیاست و دفاع از مظلومین عالم و مبارزه با مستکبرین را صریحاً مُنکر می‌شوند! حقیقتاً باید گفت که ورود به صراط مستقیم، مهم است، اما مهم‌تر، ماندن و استقامت در این صراط است.»

محسنی اژه‌ای با گرامیداشت سالروز شهادت آیت‌الله سیدحسن مدرس، تصریح کرد: «شهید مدرس، شخصیتی شجاع، با صلابت و بافراست بود که توانست در برابر قدرتهای استکباری و استعماری و اذتاب داخلی آنها بایستد؛ این شهید والا‌هقام، سیاست را عین دیانت و دیانت را عین سیاست می‌دانست و با همین راهبرد، به پیش رفت و از تهدیدها نهراسید و به فضاسازی‌ها اعتنایی نکرد. شهید مدرس نیزنگ‌ها و فریبکاری‌ها را تشخیص داد و آنها را خنثی کرد؛ شهید مدرس به جریانات متحجری که می‌خواستند او را از مقابله با انگلیسی‌ها و رضاخان قلدر بازدارند، بی‌اعتنا بود و با ظلم و ظالم سازش نکرد.»

رئیس قوه قضائیه همچنین با گرامیداشت سالروز شهادت شهدای هسته‌ای، شهیدان شهرداری و فخری‌زاده، گفت: «عوامل مزدور رژیم صهیونیستی و آمریکا، دانشمندان هسته‌ای ما را به شهادت رساندند و بار دیگر برای ما فرمایشات امام خمینی (ره) در ۶۰ سال پیش، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، مبنی بر اینکه اسرائیل با رشد و پیشرفت علم و دانش در ایران مخالف است، تداعی و مرور شد.»

حکمرانی در سایه نهادهای فرادولتی

بررسی آنچه که بنا بر اظهارنظرهای مسعود پزشکیان در **بودجه ۱۴۰۵** باید مورد توجه قرار گیرد



عکس: خانه ملت

دولت و مجلس ندارند. محمود جامساز، اقتصاددان نیز در بهمن‌ماه سال گذشته با تکرار این آمار از نفوذ گسترده این نهادها بر اقتصاد کشور سخن گفته بود و این سؤال را مطرح کرده بود که آیا اینها به دولت کمک می‌کنند یا مالیات می‌دهند؟ و همین ساختار را منجر به بی‌اعتبار دانستن اقتصاد کشور مطرح کرده بود.

در حالی که در نخستین سال‌های انقلاب قرار بود از این نهادها به عنوان بازوی حاکمیتی برای توسعه کشوری که تازه از انقلاب برخاسته استفاده شود، اما عملکرد آنها در سال‌های اخیر مورد انتقادهای بسیار شدیدی قرار گرفته است. این نهادها با ساختارهای حاکمیتی زیرمجموعه دولت به شمار نمی‌روند مثلاً قرارگاه خاتم‌الانبیاء زیر نظر سپاه پاسداران است. هر کدام از این نهادها با تعاریف و کارکردهای مستقل، به مجموعه‌های پرنفوذی تبدیل شده‌اند که از بودجه عمومی دولت نیز سهم می‌برند.

▼ نظارتی که اجرا نمی‌شود

حالا این نهادهای بودجه‌گیر رسمی و نهادهای ثروتمند حاکمیتی، ساختاری را ایجاد کرده‌اند که در آن بخش قابل توجهی از منابع مالی کشور خارج از حوزه اختیارات دولت‌های منتخب و دور از نظارت مستقیم مجلس اداره می‌شود. تحقیق و تفحص از این نهادها با توجه به اینکه زیر نظر نهاد رهبری هستند، محل بحث بوده است. در مجلس ششم زمانی که درخواست تحقیق و تفحص از صداسیما مطرح شد و این سازمان با استناد به اینکه زیر نظر رهبری است از این امر مستثنی است، با مجلس همکاری نکردند. مهدی کروبی رئیس وقت مجلس در نامه‌نگاری از رهبری خواهان روشن‌سازی در این موضوع شد. رهبری در پاسخ خود توضیح دادند: «تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از دستگاه‌های گوناگون کشور یکی از ابزارهای مناسب برای حفظ سلامت این دستگاه‌هاست. بقیه‌ا وجود این اصل در قانون اساسی از جمله نقاط قوت این قانون متین و جامع‌الاطراف است، به نظر اینجانب برخورداری صداسیما می‌جمهوری اسلامی از برکات این اصل به نفع کشور و به نفع خود آن سازمان است. اگر مجلس محترم در حال حاضر مانع قانونی از اعمال این اصل دارد تجدیدنظر مجمع محترم تشخیص مصلحت در مصوبه قبلی خود می‌تواند این مانع را برطرف کند و جنابعالی با موضوع گیری صحیح و روشنگر خود همین معنا را بیان کردید. اینجانب مجوز این تجدیدنظر را که قانوناً بر عهده رهبری است به آن مجمع محترم خواهم داد.» با این حال تحقیق و تفحص از این نهادها چندان مورد اقبال ادوار مختلف مجلس قرار نگرفت.

نمایندگان مجلس تاکنون تحقیق و تفحصی از آستان قدس رضوی نداشته‌اند. مرکز بررسی‌های حقوقی مجلس تنها در گزارشی

بنیاد مستضعفین نیز وجود دارند که گفته می‌شود اتکای چندانی به بودجه رسمی دولت ندارند، اما بخش قابل توجهی از ثروت و دارایی کشور را برعهده دارند. (بودجه قرارگاه خاتم‌الانبیا در سال ۱۴۰۴، ۳۸ برابر شده است) نهادهای وابسته به ساختارهای سیاسی بخش جدایی‌ناپذیر دولت‌ها هستند. ساختار سیاسی جمهوری اسلامی در راستای اعمال حاکمیتی خود از نهادها و ابزارهای مختلفی به منظور حکمرانی اسلامی و حکومتداری استفاده کرده است. اما برخی از این نهادها با کاهش سهم نهادهای انتخابی در اداره کشور، بخش بزرگی از ساختارهای منجر به توزیع ثروت در ایران را با اختلال روبه‌رو کردند و به عنوان یک قدرت موازی نفوذ اقتصادی گسترده‌ای نیز در کشور دارند.

▼ سایه نهادهای فرادولتی بر دولت‌های منتخب

این نهادها، سهمی فراتر از بسیاری از وزارتخانه‌ها در اقتصاد دارند و عملاً بخش عظیمی از منابع اقتصادی را خارج از سازوکارهای رایج دولت و مجلس مدیریت می‌کنند. بهزاد نبوی در سال ۹۸ در مصاحبه‌ای اعلام کرده بود بیش از ۶۰ درصد از ثروت ایران در اختیار چهار نهاد قرار دارد. او گفته بود: «سهم بخش‌هایی از ایران که به واسطه انتخاب مردم تعیین می‌شوند، در اداره کردن این کشور کم است. چهار نهاد؛ ستاد اجرایی فرمان امام، قرارگاه خاتم‌الانبیاء، آستان قدس رضوی و بنیاد مستضعفان، بر ۶۰ درصد ثروت ایران تسلط دارند، در حالی که هیچ‌یک از اینها ارتباطی با

**کوچک‌سازی دولت،
اصلاح ساختار بودجه
و مقابله با فساد،
بدون شفاف شدن
کارنامه مالی و اجرایی
تمامی نهادها و قرار
گرفتن آنها در معرض
نظارت رسمی، عملاً
امکان تحقق ندارند**

منصوره محمدی خبرنگار گروه سیاست

«تادلت بخواهد موسسات و بنیادهایی داریم که هیچ برون‌دادی ندارند و پول به اینها می‌دهیم، خب چرا باید به اینها پول بدهیم در حالی که معیشت مردم را نمی‌توانیم تأمین کنیم؟» این بخشی از صحبت‌های رئیس‌جمهور بود که در نشست با مدیران رسانه‌ها مطرح کرد. در بودجه سال ۱۴۰۴ نهادهای خاصی وجود دارند که با ماهیت حاکمیتی بودجه‌های کلانی دریافت می‌کنند. از جمله آستان حضرت امام خمینی، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، مرکز خدمات حوزه‌های علمیه، سازمان تبلیغات اسلامی، ستاد اقامه‌نماز و... که براساس گزارش هم‌میهن با عنوان «جهش بودجه نهادهای خاص در غیاب منابع» بودجه تعدادی از نهادها طی ۶ سال از ۲۵۹ تا ۹۶۱۶ درصد افزایش داشته است.

▼ قدرت موازی در دل ساختار رسمی

در کنار این نهادهای بودجه‌گیر که هر ساله سهم قابل توجهی از بودجه دولت‌ادر یافت می‌کنند، نهادهای حاکمیتی بزرگی همچون آستان قدس رضوی، قرارگاه خاتم‌الانبیا، ستاد اجرایی فرمان امام و

مسعود سپهر استاد علوم سیاسی دانشگاه شیراز:

تعارض منافع مجلس مانع تحقیق و تفحص از فرادولتی‌هاست

است که به‌صورت موازی و تجمیعی برای نهادها تعریف و تکلیف می‌شود اما نظارتی بر جزئیات اقدامات آنها وجود ندارد. تا زمانی که تحول بنیادین در بودجه انجام نشود و به صورت عملیاتی اجرایی نشود، بخش‌های مبهم از بودجه خارج نشود و شفاف‌سازی نشود، با بودجه تغییر زیادی انجام نمی‌شود و کل بودجه‌ای که در اختیار دولت و مجلس است از ۳ تا ۵ درصد بودجه کمتر است چرا که تکلیف بقیه قبلاً مشخص شده است و این میزان در مقابل بودجه‌ای که هر سال به‌صورت آشکار و پنهان اختصاص داده می‌شود چیزی نیست.

اقتصاددانان و برخی سیاستمداران از تمرکز بخش بزرگی از ثروت کشور در نهادهایی که خارج از نظارت دولت و مجلس فعالیت می‌کنند گلایه‌مند هستند و ابراز نگرانی می‌کنند. این مسئله چه پیامدهای حکمرانی‌ای دارد؟

مسلماً زمانی که بخش‌های خاص و خارج از نظارت قانونی بودجه، حتی براساس برخی منابع تا ۷۰ درصد اقتصاد ایران را تشکیل می‌دهد و بخش خصوصی نیز قادر به رقابت با آنها نیست و در برابر هیچ‌کس پاسخگو هم نیستند، این قدرت به صورت متمرکز همراه با سایر قدرت‌ها می‌تواند هر کاری که بخواهد بکند و حتی دولت نیز بازپچه‌ای در دسترس آنها خواهد بود و آینده خطرناکی را برای آینده کشور رقم می‌زند.

انبود سازوکار نظارتی و اجرایی مشترک میان دولت و مجلس و این نهادهایی که خارج از بودجه بخش بزرگی از ثروت را دارند، آیا باعث آسیب به حکمرانی و ایجاد خلأ در نظام حکمرانی می‌شود و اعتماد عمومی را نیز کاهش می‌دهد؟ و همچنین با توجه به تلاش دولت برای کوچک‌سازی آیا منجر به کاهش سهم مردم می‌شود؟

حتی در بحث حقوق و مزایا پولی که باید به کارکنان پرداخت شود شفاف نیست. این مسئله به نوبه خود یک بی‌عدالتی بزرگ میان کارکنان ایجاد می‌کند، چرا که شفافیت در این زمینه وجود ندارد و امیال مدیران و قدرت دستگاه‌های مختلف در میزان دریافتی تعیین‌کننده است. ظاهراً همه تحت یک قانون هستند باید کم و بیش دریافت‌های مشابهی داشته باشند. از اینجا که مهمترین رقم بودجه است مشکلات همچنان وجود دارد تا دیگر قسمت‌های بودجه که اصلاح‌دیده نمی‌شوند.

با نگاهی به بودجه می‌بینید بخش‌های زیادی از بودجه به عنوان بخش مربوط به کمک‌ها امنیتی و مجرمانه است. طبیعی است که باید مشخص شود این پول‌ها از کجا می‌آید و به دست کدام گروه‌ها می‌رسد. بخش درآمدهای نفتی که بخش عمده بودجه ما است، به دلیل تحریم‌ها کاملاً غیرشفاف است. در حالی که این بخش‌ها طبیعتاً باید در قانون بودجه قرار گیرند. بخش دیگری که در بودجه معلوم نیست چگونه خرج می‌شود، قسمت‌های در اختیار است؛ برای مثال وقتی یکی از مقامات سفر می‌کند مقدار زیادی به‌پروژه‌های مختلف تخصیص می‌دهد و باید مشخص باشد این تخصیص‌ها و دستورات چگونه و بر چه مبنایی بوده‌اند و همه اینها باید روشن و شفاف شوند. همه اینها را اگر جمع کنیم، مبلغ بسیاری از بودجه است و در مقابل این بودجه‌ای است که به صورت خاص به جاهایی داده می‌شود که بودجه خاصی ندارند و مهمترین این ارگان‌ها، دستگاه‌های فرهنگی هستند که بودجه دریافت می‌کنند و مشخص نیست چقدر فرهنگ‌سازی کردند و به گسترش فرهنگ کمک کردند. بزرگترین اشکال در کنار همه اینها این است که آنچه به‌عنوان بودجه به مجلس می‌رود بخش بزرگ بودجه است. بخش بزرگ بودجه در واقع بودجه سازمان‌ها و نهادهایی

